



Identifying and analyzing drivers and factors affecting the 2023 Gaza war; an emergent in the evolution of a crisis

Fatemeh Mahroogh*

Aboulqasem Shahriari**

Zahra Rezghi***


Abstract

The outbreak of the Al-Aqsa storm operation on October 7, 2023, represents an emergent and unprecedented military action in the longstanding Israeli-Palestinian conflict and has publicized more attention to the Palestinian crisis. The need to investigate its causes can lead to a more accurate insight to control the influencing variables. This article seeks to address what are the causes and drivers of the October 7 Gaza war? The current research, using Michael Brecher's comprehensive crisis model, focused on trigger/termination stage, seeks to combine structure and process in the analysis of this crisis. The research methodology is positivist, and the nature of the method is quantitative. The data analysis was also done using MICMAC (Impact Matrix Cross-Reference Multiplication Applied to a Classification) structural analysis based on comparing the hierarchy of issues in the various classifications (direct, indirect and potential), which is a rich source of information to determine the major wildcards of a specific domain. Due to the analytical nature of the MICMAC, it is avoided to present a hypothesis and attention is directed to the output of the software to understand the drivers and variables. The findings of the research after analyzing the data show that according to the most effective variables, i.e. the West's logistic economic support for Israel, the lack of representation of the Palestinian Authority by the Palestinian people and the compromise tendencies of this government, it seems that the change in the values of these variables can affect other variables and provide the basis for crisis control.

Keywords: Al-Aqsa Storm, Gaza war, International crises, Michael Brecher, MICMAC, Palestine crisis.


* Assistant Professor of Political Science (International Relations), Department of Political Science, Faculty of Law and Politics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I.R.Iran (Corresponding author).

fmahroogh@um.ac.ir

 0000-0003-3336-8074

** Ph.D in Irans Issues, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I.R.Iran.

Ab.shahriari@um.ac.ir

 0000-0002-3193-7344

*** Master's student in International Relations, Department of Faculty of Law and Politics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I.R.Iran.

Zahra.rezghi@um.ac.ir

 0009-0009-8414-4725

دو فصلنامه علمی «دانش سیاسی»، مقاله پژوهشی، سال بیستم و یکم، شماره اول (پیاپی ۴۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص. ۲۶۳-۲۹۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر بحران ۱۴۰۲ غزه

فاطمه محروق*

ابوالقاسم شهریاری**

زهرا رزقی***


چکیده

وقوع بحران غزه (۷ اکتبر ۲۰۲۳؛ ۱۵ مهر ۱۴۰۲) با نام عملیات «طوفان الاقصی» به عنوان رخدادی نوپدید و بی سابقه باعث توجه بیش از پیش به مسئله فلسطین شد. تحلیل همه جانبه این رخداد می تواند ما را در کنترل متغیرهای اثرگذار تحولات آتی منطقه کمک نماید. براین اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که عوامل مؤثر بر پیدایش بحران ۱۵ مهر ۱۴۰۲ غزه کدامند؟ پژوهش حاضر با بهره گیری از بخش از الگوی جامع تحلیل بحران مایکل برچر، به دنبال ترکیب ساختار و فرایند در تحلیل این رخداد است. پژوهش از حیث ماهیت اثبات گرایانه و با استفاده از روش های تحلیل کمی به انجام رسیده است. برای این منظور از نرم افزار تحلیل ساختاری میک مک استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد، اثرگذارترین عوامل که در حکم پیشران عمل می نمایند، عبارت اند از: حمایت اقتصادی لجستیکی غرب از رژیم صهیونیستی، فقدان نمایندگی دولت خودگردان از مردم فلسطین، و تقویت گرایش های سازش کارانه این دولت.

واژگان کلیدی: بحران بین المللی، حماس، رژیم صهیونیستی، طوفان الاقصی، غرب آسیا، غزه، فلسطین، مایکل برچر.

* استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

fmahroogh@um.ac.ir

 0000-0003-3336-8074

** دکتری مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران.

Ab.shahriari@um.ac.ir

 0000-0002-3193-7344

*** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

جمهوری اسلامی ایران.

Zahra.rezghi@um.ac.ir

 0009-0009-8414-4725

مقدمه

بیان مسئله: ظهور رژیم صهیونیستی و شکل‌گیری بحران فلسطین به‌عنوان یکی از پُراهمیت‌ترین بحران‌های منطقه غرب آسیا، تاریخچه‌ای پیچیده و چندبُعدی دارد که به‌طور مستمر تأثیرگذار بوده و جامعه جهانی تاکنون نتوانسته مدیریت مناسبی را جهت حل آن اعمال کند. اقداماتی همچون صدور قطعنامه‌های سازمان ملل و پیمان اسلو صرفاً دوره کوتاهی از کاهش بحران را ایجاد نموده و مشخص ساختند که تجویز گام‌هایی در قالب اجبار یا تشویق پذیرش شرایط موجود، پیامد مناسبی در پی نداشته و جنبش‌های فلسطینی از پذیرش شرایطی که منجر به ازدست‌دادن سرزمین آنها شود، استنکاف دارند. ایشان از هر موقعیتی جهت استمرار مبارزه با رژیم صهیونیستی استفاده می‌نمایند. جلوه بارز استمرار مبارزه از سوی مجاهدان فلسطینی، عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی است که به‌مثابه رخدادی نوپدید نشان داد که چگونه بحران موجود در فلسطین از ماهیتی پیچیده و غیرخطی برخوردار بوده و نمی‌توان با قواعد کلی یا شیوه‌های مداخله‌جویانه و از بالا به پایین بر حل آنها فائق آمد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، معطوف به تحلیل ماهیت و عوامل ایجادکننده جلوه‌های نوین بحران امنیتی غزه است.

اهمیت: این پژوهش از دو بُعد نظری و عملی دارای اهمیت است. به‌لحاظ نظری الگوی تحلیل بحران مایکل برچر با کمک تحلیل اثر متقاطع (میک‌مک) می‌تواند تصویری نسبتاً جامع (چندبُعدی) از وضعیت جاری در منطقه ارائه نماید که برای کارشناسان و مدیران به‌واسطه دور بودن از یک‌سویه‌نگری، دارای اهمیت است. به‌لحاظ عملی، جنبش حماس با این عملیات، تغییر رویکردش را به نمایش گذارد و از اقدامات پدافندی به آفندی رو آورد. این امر تا حدود زیادی معادلات سیاسی - امنیتی مناطق اشغالی و حتی کل منطقه را تحت‌الشعاع قرار داده و باید از شرایط نوین منطقه سخن بگوییم که دلالت بر اهمیت عملیاتی این پژوهش دارد.

ضرورت: کم‌توجهی و یا عدم توجه به شرایط نوینی که در حال شکل‌دهی به وضعیت منطقه غرب آسیا است؛ می‌تواند شرایط جبهه مقاومت و همچنین منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر منفی قرار دهد. براین‌اساس پژوهش حاضر دارای

ضرورت راهبردی است؛ چراکه بایسته‌های تحول و سیاست‌های کلان ایران و جبهه مقاومت را در مواجهه با سیاست‌های سلطه‌طلبانه آمریکا و رژیم صهیونیستی مدنظر دارد. **اهداف:** پژوهش پیش‌رو در صدد تبیین چندبعدی ماهیت تحولات اخیر در منطقه با تمرکز بر رخداد‌های غزه است. برای این منظور از الگویی مفهومی و ابزاری روشی استفاده شده که ویژگی آن، چندبُعدی دیدن پدیده‌ها است. این امر راه را بر تحلیل‌های یک‌سویه سد می‌نماید. در همین راستا دو هدف فرعی نیز مدنظر است که عبارت‌اند از: تحلیل متغیرها و شناسایی عوامل پیش‌ران و مؤثر در شکل‌گیری بحران ۷ اکتبر؛ و ترکیب ساختار و فرایند در مقام تحلیل بحران غزه. البته از آنجاکه در زمان نگارش این مقاله، تحولات غزه و منطقه در حال شدن است و امکان تحلیل مراحل گسترش، کاهش و تأثیر بحران به‌طور دقیق میسر نیست، تمرکز مقاله بر مرحله پیدایش بحران است؛ آن‌هم نه لزوماً همه متغیرهای به‌کاررفته در این مرحله؛ زیرا همان‌گونه‌که برچر متذکر شده است، هر بحرانی به‌دلیل ماهیت منحصر به فرد خود ممکن است برخی از متغیرها و نه لزوماً همه موارد ذکر شده را در خود جای دهد.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزمای نیست. پرسش اصلی این است که عوامل مؤثر و پیش‌ران در پیدایش بحران ۱۵ مهر ۱۴۰۲ کدامند؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: متغیرهای تشدیدکننده در بحران غزه کدامند؟ و متغیرهایی که توانایی مدیریت بحران غزه را دارند کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

باتوجه به نوآورانه بودن مقاله حاضر، منابعی که دارای ارتباط مستقیم و معنادار با پژوهش باشند، بسیار اندک است ولی در خصوص بحران‌های بین‌المللی به‌طور عام و بحران فلسطین به‌طور خاص، منابع قابل‌توجهی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در دو سطح بررسی کرد:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

در نشریه دانش سیاسی مقاله‌ای با محوریت بحران غزه در دوره حاضر، به چاپ نرسیده؛ ولی می‌توان یک مقاله را معرفی نمود که تا حدودی دارای ربط موضوعی

است. عابدی و همکاران (۱۴۰۰)، در پاسخ به چستی منطق رفتاری آمریکا در بحران‌های بین‌المللی، بر نقش ادراک تهدید آمریکا از بحران‌ها تأکید نموده و نفوذ، خسارت شدید، نظامی محدود و سیاسی را مهم‌ترین این ادراکات ذکر کرده‌اند. ایشان معتقدند که مداخله از طریق شورای امنیت، به‌عنوان الگوی رفتاری کم‌هزینه برای آمریکا پیوسته مدنظر بوده است. نویسندگان در این مقاله به بحران غزه به‌صورت مستقیم نپرداخته‌اند.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع علمی

در بررسی سایر منابع موجود در زمینه پژوهش، می‌توان آثار مربوط را از حیث موضوعی به دو دسته تقسیم کرد:

الف. منابعی که به بررسی مفهومی و نظری بحران‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. این دسته از منابع به تعریف بحران، چگونگی پیدایش یا گسترش بحران می‌پردازد. بیشتر این بررسی‌ها، از رهیافت سیستمی به بحران نگاه می‌کنند (Philips & Rimkunas, 1982; Brecher & Wilkenfeld, 1978); به‌عنوان مثال، برچر و ویلکنفند (۱۳۸۲) چگونگی پیدایش، گسترش، کاهش و تأثیر بحران‌ها در روابط بین‌الملل را بررسی می‌کنند و با تأکید بر ماهیت چندوجهی آن‌ها و مجموعه‌های متنوع متغیرهای سیستمی، بین بازیگری و بازیگری، به تدوین الگوی جامع بحران می‌پردازند. واعظی (۱۳۸۹)، به بررسی تأثیرات نظام نوین بین‌الملل بر ساختار تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ پرداخته و مدیریت بحران‌های بین‌المللی را تابع میزان قدرت و نفوذ هر یک از این قدرت‌های بزرگ می‌داند. وی منافع، مجاورت و تنوع قدرت مرتبط با نوع بحران را از متغیرهای اساسی در مسیر بحران‌های بین‌المللی در دوران اخیر برمی‌شمارد. دهشیری و گلستان (۱۳۹۵)، ساختار و فرایند نظام بین‌الملل را در نحوه مدیریت بحران توسط قدرت‌های بزرگ و الگوی رفتاری واحدها بررسی می‌کند. باتوجه به پیچیدگی بحران‌های بین‌المللی و حضور تعداد زیادی از متغیرها و بازیگران در سطوح مختلف، امین‌آبادی و فیروزآبادی (۱۳۹۹)، اکتفا به یک نظریه واحد را موجب درک ناقص و ضعیف از بحران دانسته و بیان می‌دارند که می‌بایست از منظر رهیافت گلچین‌گرایی به تبیین

بحران‌های بین‌المللی پرداخت. همچنین، فرهاد قاسمی (۱۳۹۹)، باتوجه‌به ناکارآمدی نظریه‌های موجود در تبیین بحران‌های بین‌المللی، به بررسی سازوکار علی شکل‌گیری بحران‌ها در سیستم بین‌الملل پیچیده و آشوبی می‌پردازد. وی با اشاره به پویایی‌های غیرخطی بحران‌ها و نوپدیدگی شناختی، دو مدل هیترارشی و پانارشی را به‌عنوان مدل‌های اصلی در شکل دادن به نوپدیدگی از جمله بحران‌ها در روابط بین‌الملل مطرح می‌کند.

ب. منابعی که به‌طور خاص به بررسی بحران فلسطین پرداخته‌اند. در پژوهش سیمبر (۱۳۸۳)، حمایت مستمر و همه‌جانبه آمریکا از رژیم صهیونیستی به‌عنوان علت اصلی ناکامی جامعه بین‌المللی در مدیریت بحران و ناکارایی گروه‌های فلسطینی شناسایی شده و بر لزوم مقاومت و مبارزه در کنار چانه‌زنی و مذاکره برای فلسطینیان تأکید می‌شود. محمدی و غفرانی (۱۳۸۸)، با استفاده از روش‌های کمی، پویایی این بحران را کشف کرده و ماهیت آن را مشخص می‌سازند تا امکان ارائه راه‌حل دائمی به‌وجود آید. بررسی ابعاد جغرافیایی، سیاسی، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی و امنیتی از حوزه‌های بحث کتاب برای شناسایی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی بحران فلسطین است. از منظر ساجدی (۱۳۹۹)، تعداد زیاد بازیگران خارجی عامل تکامل و پیچیده‌شدن اختلاف میان فلسطین و رژیم صهیونیستی بوده و طرح‌های صلح پیشنهادی مثل معامله قرن به‌دلیل در نظر نگرفتن واقعیت‌های سرزمینی، فرهنگی و قومی ملت فلسطین ناکام مانده‌اند. گذار از اقدامات پدافندی به آفندی، واکنش به توافقنامه آبراهام و تغییر الگوواره مقاومت از منظر بردبار و عالیشاهی (۱۴۰۲)، در انجام عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شناسایی شده و نویسندگان به بررسی عوامل فرعی این محورها پرداخته‌اند.

چنانچه مرور ادبیات پیشین نشان می‌دهد، به‌دلیل تازگی رخداد بحران ۷ اکتبر، آثار علمی اندکی به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته‌اند و پژوهش حاضر از حیث موضوعی و هم از حیث نظری، متفاوت از مطالعات موجود است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

مهم‌ترین ارکان مفهومی و نظری پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۲-۱. مفهوم بحران

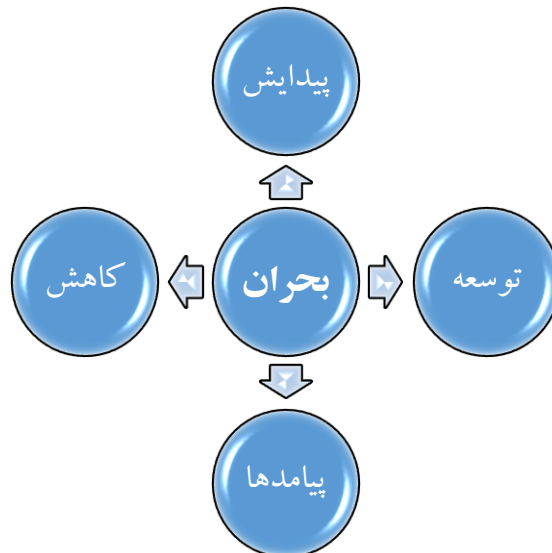
در عرصه روابط بین‌الملل، درک بحران‌ها برای سیاست‌گذاران، محققان و تحلیلگران اهمیت بسیاری دارد. بحران به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن رویدادها یا شرایط به‌طور ناگهانی و شدیداً از حالت عادی خارج شده و باعث ایجاد تنش‌ها، تهدیدها یا مخاطراتی می‌شوند که نیازمند تصمیم‌گیری و اقدام فوری است. ویژگی‌های بحران شامل غیرقابل پیش‌بینی بودن، تأثیرات گسترده و عمیق، و نیاز به مدیریت سریع و مؤثر است و می‌تواند در حوزه‌های مختلفی رخ دهد. با پیچیدگی روزافزون سیاست بین‌الملل، نوپدیدگی در بحران‌ها نیز سبب پیچیدگی در روندها و ساختار بحران‌های بلندمدت و دامنه‌دار همانند بحران فلسطینیان - رژیم صهیونیستی می‌شود. یکی از ویژگی‌های پیچیدگی در چنین مناقشات و بحران‌هایی، سطوح چندگانه منازعات است که همزمان درگیر هستند. حلقه‌های بازخورانی بین این سطوح سبب می‌شود حتی زمانی که تعارض قابل درک یا قابل حل به نظر می‌رسد، پیوندها به سطوح دیگر می‌تواند در مواجهه با تغییرات سازنده، به نوپدیدگی منجر شده و تضادها ادامه یابند و نتایج غیرقابل پیش‌بینی به همراه داشته باشند (See Coleman & et al., 2007).

۲-۲. نظریه بحران مایکل برچر

باتوجه به اهمیت برهم‌کنشی متغیرها بر یکدیگر، الگوی جامع بحران مایکل برچر چهارچوبی جامع برای درک پویایی‌ها، علل و پیامدهای شکل‌گیری بحران‌ها است. الف. تبیین نظریه: از دیدگاه وی یک بحران دارای چهار مرحله اساسی است: ظهور بحران، توسعه، کاهش، و بالاخره تأثیرات. به‌زعم وی ریشه بحران‌ها در اقدامات و یا رویکردهای خصمانه‌ای است که در سیاست خارجی پدیدار می‌شوند؛ اما توسعه آن به ذهنیت‌ها و نوع واکنش‌های دولت‌های هدف بازمی‌گردد. چنان‌که کاهش آن در گرو شرایط محیطی و هزینه‌های استمرار بحران می‌باشد. درنهایت می‌توان به طیف متنوعی از پیامدها اشاره داشت که ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی و غیر آن را تحت تأثیر قرار

می‌دهد. با عنایت به اهمیت مرحله آغاز بحران، برچر به طیف متنوعی از عوامل مؤثر اشاره دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تعارض بین دو بازیگر درون یک ساختار چندمرکزی، قرارگرفتن در زیرمجموعه سیاست جهان، وضعیت تعارض ممتد، عدم تفاوت میزان قدرت طرف‌های درگیر، غیرمردم‌سالارانه یا آمیزه‌ای از مردم‌سالاری و تمامیت‌خواهی رژیم‌های سیاسی طرف‌های درگیر و مجاورت جغرافیایی متخاصمان (برچر، ۱۳۸۲-الف، صص. ۱۰۱-۱۸۸).

شکل شماره (۱): الگوی چهار بعدی تحلیل بحران (مایکل برچر)



(طراحی توسط نویسندگان)

ب. **تحلیل نظریه:** برچر اشاره می‌کند که بحران بر یک دگرگونی در نوع یا افزایش در شدت کنش‌های متقابل شکننده بین دو یا چند دولت با تشدید احتمال مخاصمات نظامی ارتباط دارد که طبعاً روابط آن‌ها را بی‌ثبات می‌کند و ساختار یک نظام بین‌المللی را به چالش می‌کشد (برچر، ۱۳۹۲-الف، صص. ۲۴). او توانسته با ترکیب ساختار و فرایند و پیوند زدن آنها به ثبات - بی‌ثباتی و تعادل - عدم تعادل، مؤلفه نظام و بازیگر را در بررسی بحران به طور همزمان نشان دهد. نزد برچر تغییرات ساختاری و فرایندی که

قابل بازگشت بوده ولی به تحول سیستم بین‌الملل منجر نشود، علی‌رغم اینکه بی‌ثباتی به همراه دارد، در چهارچوب تعادل قابل مفهوم‌سازی است؛ اما وجود تغییرات ساختاری و فرایندی زیاد و غیرقابل بازگشت نشان‌دهنده ثبات و تعادل جدید خواهد بود. از بعد فرایندی، بحران نشان‌دهنده نقطه عطفی است که در آن دوره، کنش متقابل ستیزشی شدت می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۹، ص. ۴۲۹).

تأکید برچر برای بررسی یک بحران، مرحله شکل‌گیری آن است و همین موضع نیز سبب شده است تا از نظریه و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بحران برچر به‌عنوان مبانی نظری پژوهش استفاده شود. برچر با بررسی ۳۳۳ بحران بین‌المللی بدین‌نتیجه رسیده است که شکل‌گیری یک بحران از یک نقطه مشخص آغاز می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، بحران‌های بین‌الملل محصول و معلول چند عامل بیرونی است و بعد از ایجاد بحران، با تأثیرپذیری از متغیرهای دیگر، بحران گسترش پیدا می‌کند که تشدید تنش‌ها و درگیری‌های نظامی را گسترش می‌دهد. در پژوهش حاضر تنها مرحله پیدایش بحران از الگوی تحلیلی جامع برچر، مبنای شناسایی و تحلیل عوامل بوده است. از آنجاکه هنوز بحران در جریان است، تحلیل سایر مراحل بحران نیازمند پژوهش دیگری است.

۳. روش‌شناسی

در این پژوهش از تحلیل متقاطع برای بررسی اهداف استفاده شده و ماهیت پژوهش، کمی است. نوع پژوهش، کاربردی بوده و با روش جمع‌آوری داده از طریق پیمایش با رویکردی تحلیلی نگاشته شده است. برای این‌منظور ابتدا متغیرهای پژوهش بر اساس مبانی نظری برچر در شکل‌گیری بحران تعریف گردید؛ سپس بر اساس مبانی تحلیل میک‌مک که پاسخ از کارشناسان و متخصصان را مبنای تحلیل قرار داده؛ فهرست متخصصان و کارشناسانی که طی یک دهه گذشته پژوهش یا تحقیقی در خصوص مسئله فلسطین منتشر نموده‌اند - به‌عنوان نمونه مورد بررسی - انتخاب شد که مجموع آنها ۳۵ نفر گردید؛ بنابراین شیوه نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس بیان نظر در مسئله فلسطین بوده است. همچنین بر اساس تحلیل میک‌مک، نیاز به دریافت حداقل ۱۳ پاسخ بود که پس از ارسال پرسشنامه و تأمل سه‌هفته‌ای دریافت پاسخ‌ها، تعداد مورد

نیاز دریافت و وارد تحلیل شدند. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک (تحلیل اثر متقابل) برهم‌کنشی متغیرها بر یکدیگر در پیدایش این بحران مورد استفاده قرار گرفت. روش میک‌مک برای تحلیل ساختاری یکی از انواع روش‌های تحلیل اثرهای متقابل است که از جداول روابط متقابل استفاده می‌کند؛ اما برخلاف روش‌های دیگر، احتمالاتی نیست؛ بنابراین این روش احتمال تأثیر یک متغیر بر متغیر دیگر را محاسبه نمی‌کند؛ اما وجود و شدت رابطه میان دو متغیر را نشان می‌دهد. مراحل انجام تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از این نرم‌افزار به شرح زیر است:

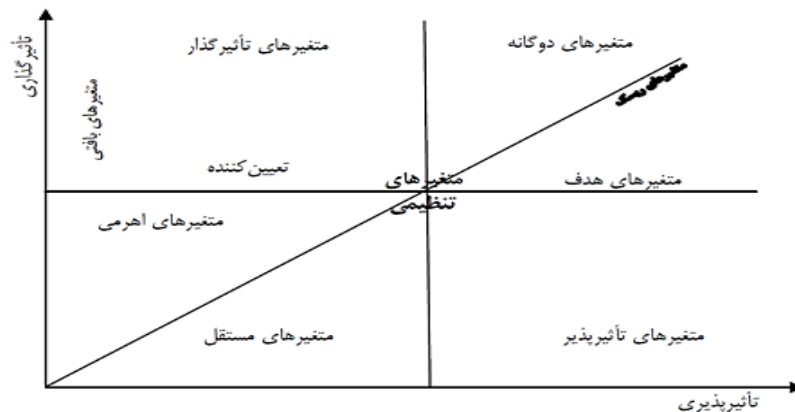
اول. تهیه فهرست متغیرهای دخیل بر یک واقعه خاص.

دوم. تهیه ماتریس قطری $n \times n$ به تعداد متغیرها (سطرها نشان از میزان اثرگذاری و هر ستون نشان از میزان وابستگی هر متغیر است).

سوم. کسب نظر در مورد متغیرها توسط خبرگان: این تأثیر با عددی در مقیاس صفر تا سه مشخص می‌شود. عدد صفر بدون تأثیر، عدد ۱ تأثیر کم، عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ تأثیر زیاد را نشان می‌دهند.

چهارم. ترسیم روندها بر روی یک نمودار (به شرح نمودار شماره ۱) و تعیین متغیرها بر اساس اولویت اثرگذاری.

نمودار شماره (۱): توزیع متغیرها در نرم‌افزار میک‌مک



(منبع: وقوفی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۲)

با به دست آمدن عددی که به تأثیرگذاری و وابستگی مربوط می‌شود، می‌توان جایگاه نسبی متغیرها نسبت به یکدیگر را در فضای دو بُعدی نشان داد. محور افقی نمایانگر میزان وابستگی یا تأثیرپذیری و محور عمودی نمایانگر میزان تأثیرگذاری است.

۴. تحلیل یافته‌ها

مجموع یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در چهار بخش به شرح زیر ارائه نمود:

۴-۱. یافته‌های توصیفی

در پژوهش حاضر نظر ۱۶ کارشناس روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای در حوزه بحران فلسطین، مورد بررسی و در قالب نرم‌افزار میک‌مک تحلیل شد. داده‌های جمع‌آوری شده دارای مختصات زیر هستند:

جدول شماره (۱): تأثیرات متقابل متغیرها بر اساس نظر خبرگان

	1: p1	2: p2	3: p3	4: p4	5: p5	6: p6	7: p7	8: p8	9: p9	10: p10	11: p11	12: p12	13: p13
1: p1	0	2	2	3	2	2	2	1	2	2	2	1	1
2: p2	3	0	2	3	2	2	1	2	2	2	2	2	0
3: p3	2	2	0	2	1	2	1	2	3	1	1	1	2
4: p4	3	2	2	0	2	2	1	1	2	1	2	1	1
5: p5	2	1	1	1	0	2	2	2	3	1	1	1	0
6: p6	2	1	1	1	1	0	1	1	3	1	1	2	0
7: p7	2	2	2	3	2	2	0	3	2	1	2	1	2
8: p8	3	2	3	3	2	2	2	0	2	1	1	2	1
9: p9	2	2	2	2	2	2	2	2	0	2	2	2	2
10: p10	2	1	2	2	1	2	2	1	2	0	2	1	1
11: p11	1	3	3	3	2	2	3	2	2	1	0	1	2
12: p12	3	3	2	2	2	2	2	3	2	0	2	0	1
13: p13	2	1	2	2	1	1	2	1	1	1	2	0	0

منبع: (یافته‌های پژوهش حاضر)

جدول شماره (۲): مختصات متغیرهای پژوهش

INDICATOR	VALUE
Matrix size	13
Number of iterations	2
Number of zeros	18
Number of ones	48
Number of twos	84
Number of threes	19
Number of P	0
Total	151
Fillrate	89.34911%

(یافته‌های پژوهش حاضر)

جدول شماره ۲ نشان‌دهنده مختصات پژوهش است. اندازه ماتریس در این پژوهش

۱۳*۱۳ بوده است. تعداد صفرها برابر ۱۸، یک‌ها برابر ۴۸، دوها برابر ۸۴ و سه‌ها ۱۹ عدد بوده که جمع اعداد برابر ۱۵۱ می‌باشد. درجه پرشدگی ماتریس، ۸۹ درصد و بیانگر این است که عوامل انتخاب شده در بیش از ۸۹ درصد موارد بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند.

جدول شماره (۳): پایایی تحلیل

ITERATION	INFLUENCE	DEPENDENCE
1	91 %	94 %
2	98 %	100 %

(یافته‌های پژوهش حاضر)

برابر جدول شماره ۳ ماتریس بر اساس شاخص‌های آماری با ۲ بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار است که این موضوع نیز روایی بالای پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن را نشان می‌دهد.

۴-۲. یافته‌های تحلیلی

برای اساس مبانی نظری تشریح شده و مستند به تحقیقات و پیشینه پژوهش، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر تداوم بحران فلسطین (عملیات طوفان الاقصی ۱۴۰۲) به شرح ذیل انتخاب شده و تعریف عملیاتی آنها نیز انجام شده است.

جدول شماره (۴): تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

ردیف	عنوان متغیر	توضیحات	کد
۱	اشغال سرزمین فلسطین	اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان مهاجر مربوط به اوایل قرن بیستم و همراه با ظهور جنبش صهیونیسم بود و تأسیس کشور اسرائیل در ۱۹۴۸، کنترل یهودیان بر فلسطین را تقویت و تثبیت نمود و پس از جنگ شش‌روزه در ۱۹۶۷ اشغال اراضی سرزمین فلسطین گسترش یافت	P1
۲	عدم تأثیر قطعنامه‌های سازمان ملل بر حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها	عدم تأثیر قطعنامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت همانند قطعنامه‌هایی که روند اسکان یهودیان در سرزمین‌های اشغالی را محکوم کرده است، باعث عدم توقف در سیاست‌های اسرائیل شده است.	P2
۳	محاصره نوار غزه از سال	نوار غزه از سال ۲۰۰۷ در محاصره شامل محدودیت شدید در	P3

ردیف	عنوان متغیر	توضیحات	کد
	۲۰۰۷	رفت و آمد افراد و کالا توسط اسرائیل با بیشترین استحکامات مرزی و کنترل با تجهیزات فناورانه است که توسط مصر حمایت می‌شود.	
۴	استمرار گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیل در سرزمین‌های فلسطین	شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی فلسطین، یکی از سیاست‌های اصلی رژیم صهیونیستی در حفظ امنیت و تحکیم سلطه صهیونیسم بر سرزمین‌های اشغالی تأثیر به‌سزایی داشته است. این سیاست در پی اجرای سیاست انتقال یهودیان به فلسطین با هدف یهودی‌سازی این سرزمین از زمان تشکیل اولین کنکره صهیونیست‌ها در سال ۱۸۹۷ میلادی در دستورکار جنبش صهیونیسم قرار گرفت و از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی نیز روند تصاعدی پیدا کرد.	P4
۵	هتک حرمت و اسلامی زدایی مسجدالاقصی	اهانت به مسجدالاقصی و پیگیری سیاست یهودی‌سازی آن در سال‌های اخیر نسبت به قبل شدت گرفته است.	P5
۶	افزایش شمار اسرای فلسطینی	تعداد اسرای فلسطینی و به‌کارگیری شیوه‌های غیرانسانی شکنجه در بازجویی و همچنین فشارهای روانی علیه اسرای فلسطینی در سال‌های اخیر افزایش یافته است.	P6
۷	عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی	عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی به روند کاهش تنش‌های سیاسی و برقراری روابط رسمی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی که از لحاظ تاریخی با موجودیت این رژیم مخالف بودند یا به‌رسمیت نمی‌شناختند، اطلاق می‌شود که تغییر قابل‌توجهی در شتاب پویایی‌های منطقه در سال‌های اخیر داشته است و به‌ویژه با امضای توافق‌نامه ابراهیم در سال ۲۰۲۰ موردتوجه بیشتری قرار گرفته است.	P7
۸	گرایش‌های سازش‌کارانه دولت خودگردان	تلاش و پیگیری راه‌حل دو کشوری، بازداشت و خلع سلاح معارضان اسلامی در نوار غزه در ۱۹۹۵، عدم عمل به تعهدها در خصوص اسرای فلسطینی و روابط اقتصادی با رژیم صهیونیستی از سوی دولت خودگردان توسط فلسطینیان محکوم می‌شود.	P8

ردیف	عنوان متغیر	توضیحات	کد
۹	پایداری حماس بر آرمان مقاومت	جنبش حماس با پیروی از ایدئولوژی اسلامی و باهدف جهاد در رویارویی با تهاجم صهیونیسم، از طریق باورهایش نسبت به ماهیت و فلسفه کشمکش با رژیم صهیونیستی بر این نکته پافشاری می‌کند که اشغالگری، زمینه مقاومت است و این مقاومت خشونت خود را متناسب با خشونت اشغالگران تنظیم می‌کند (موسوی و دیگران، ۱۳۸۲، ص. ۵۴).	P9
۱۰	بی‌ثباتی سیاسی رژیم صهیونیستی	برگزاری چهل‌شنبه اعتراضی علیه اصلاحات قضایی کابینه نتانیاها و درگیری بیش از پیش یهودیان صهیونیست با یکدیگر و تعمیق شکاف‌های جمعیتی حزبی نیز شرایط را برای گروه‌های مقاومت به منظور برنامه‌ریزی برای حمله فراهم کرد.	P10
۱۱	حمایت اقتصادی و لجستیکی غرب از رژیم صهیونیستی	رژیم صهیونیستی از نظر اقتصادی خودکفا نبوده و برای حفظ اقتصاد خویش همواره متکی به کمک‌های خارجی بوده است و بعد از جنگ جهانی دوم بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به‌طور مداوم بوده است (محمدی و غفرانی، ۱۳۸۸).	P11
۱۲	فقدان نمایندگی دولت خودگردان از جانب مردم فلسطین	حکومت خودگردان فلسطین، متعلق به حزب ساف، زمینه چندانی برای مشارکت سایر احزاب و گروه‌ها فراهم نکرده و آن‌ها را در حاشیه قدرت نیز راه نمی‌دهد. در چنین وضعیتی ساختار سیاسی قادر به کسب مشروعیت ملی نبوده و عملاً نمی‌تواند نماینده مردم فلسطین باشد.	P12
۱۳	نقش نوار غزه در توسعه کریدور عرب - مدیترانه {IMEC}	این کریدور، هند و غرب آسیا را به بندر حیفا رژیم صهیونیستی متصل کرده و درگیری میان این رژیم و جنبش حماس، عدم اطمینان بیشتری را به آینده کریدور هند - اروپا - خاورمیانه اضافه می‌کند.	P13

(طراحی توسط نویسندگان)

چنانکه ملاحظه می‌شود تعداد ۱۳ عامل توسط نخبگان و کارشناسان مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه تلاش شد تا با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، میزان تأثیر و

جایگاه هر یک از این عوامل تحلیل و در نتیجه پیشران‌های اصلی مشخص شوند.

۳-۴. یافته‌های استنباطی

تحلیل نقشه توزیع متغیرهای ذکر شده پس از دریافت خروجی نرم‌افزاری مطابق نمودار زیر است.

نمودار شماره (۲): پراکندگی شاخص‌ها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری - تأثیر پذیری



(یافته‌های پژوهش براساس خروجی نرم‌افزار)

بر اساس این خروجی، دسته‌بندی متغیرها را می‌توان به شرح زیر تحلیل نمود:

الف. متغیرهای تأثیرگذار: در قسمت بالایی سمت چپ، متغیرهای تأثیرگذار قرار گرفته‌اند که بیشترین تأثیرگذاری بر سایر متغیرها و کمترین تأثیرپذیری از آن‌ها را دارند؛ بنابراین سیستم در سطح بالایی به این متغیرها وابسته است. تنها متغیر پژوهش در این بخش، فقدان نمایندگی دولت خودگردان از جانب مردم فلسطین (P12) است. اگر دولت خودگردان به‌طور مؤثر منافع و آرمان‌های مختلف همه مردم و گروه‌های فلسطینی را نمایندگی کند، می‌تواند بحران فلسطین را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. دولت می‌تواند با همسو کردن سیاست‌ها و اقدامات خود با خواسته‌های جمعی مردم

فلسطین، اختلافات داخلی و جناح‌گرایی را کاهش داده و انسجام و اثربخشی بیشتری را در رویارویی با چالش‌های خارجی مانند اشغالگری رژیم صهیونیستی و سختی‌های اقتصادی - اجتماعی تجربه نماید.

ب. متغیرهای مستقل: در قسمت پایینی سمت چپ، متغیرهای مستقل و اهرمی معرفی می‌شوند. این متغیرها با کمترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در سیستم قرار می‌گیرند. بی‌ثباتی سیاسی رژیم صهیونیستی (P10) و نقش نوار غزه در توسعه کریدور عرب - مدیترانه (IMEC) (P10) متغیرهایی هستند که هر دو به‌عنوان متغیر اهرمی شناخته شده‌اند. نوسانات در سیاست رژیم صهیونیستی ممکن است بر لحن و رویکرد مذاکرات یا اجرای برخی اقدامات تأثیر بگذارد؛ اما بعید است که اساساً پویایی زیربنایی درگیری را تغییر دهد. به‌طور مشابه، نقش غزه در ابتکارات اقتصادی منطقه‌ای مانند کریدور عرب - مدیترانه ممکن است پیامدهایی برای چشم‌انداز ژئوپلیتیک وسیع‌تر داشته باشد؛ اما تأثیر مستقیم آن بر بحران فلسطین به دلیل چالش‌های حیاتی‌تر محدود می‌شود؛ بنابراین، درحالی‌که این متغیرها ممکن است بر حاشیه بحران فلسطین تأثیر بگذارند، اهمیت آن‌ها در شکل دادن به مسائل اصلی و پویایی درگیری در مقایسه با سایر عوامل کلیدی محدود به نظر می‌رسد.

پ. متغیرهای تأثیرپذیر: در قسمت پایینی سمت راست، متغیرهایی با تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری پایین قرار گرفته‌اند. این متغیرها، به دلیل اینکه در اثر تغییرات سیستمی بیشترین تغییر در آن‌ها رخ می‌دهد، اهمیت دارند و به‌عنوان متغیرهای وابسته یا خروجی سیستم نیز شناخته می‌شوند. محاصره نوار غزه از سال ۲۰۰۷ (P3)، افزایش شمار اسرای فلسطینی (P6) و هتک حرمت و اسلامی‌زدایی مسجدالاقصی (P5) متغیرهای این بخش هستند. محاصره طولانی‌مدت نوار غزه که از سال ۲۰۰۷ توسط رژیم صهیونیستی تحمیل شد، پیامدهای انسانی شدیدی از جمله محدودیت دسترسی به کالاها و خدمات ضروری، رکود اقتصادی و تشدید تنش‌های سیاسی - اجتماعی را به همراه داشته است. این محاصره شرایط زندگی و خیم غزه را تشدید کرده است و می‌تواند به اقداماتی پیش‌دستانه مانند عملیات طوفان الاقصی برای دستیابی به منافع مردم منجر شود. افزایش تعداد اسرای فلسطینی نه تنها منعکس‌کننده چرخه مداوم درگیری و خشونت است بلکه به‌عنوان نمادی قوی از بی‌عدالتی و ظلم علیه فلسطینی‌ها به نظر می‌رسد. علاوه‌براین، هتک حرمت و

اسلامی‌زدایی از مسجدالاقصی، حمله تحریک‌آمیزی است؛ بنابراین، پرداختن به این متغیرهای تأثیرگذار برای کاهش بحران فلسطین ضروری به نظر می‌رسد.

ت. **متغیرهای ریسک و هدف:** در بالای نمودار، سمت راست؛ متغیرهایی با تأثیر بالا که به شدت بر پایداری سیستم تأثیر دارند و منشأ تغییر در سیستم هستند، آمده‌اند. این متغیرها با عناوین متغیرهای ریسک و هدف نام‌گذاری شده‌اند. متغیرهای ریسک شامل عواملی هستند که تهدیدات یا چالش‌هایی برای ثبات و اهداف سیستم ایجاد می‌کنند. بر اساس یافته‌های پژوهش، متغیرهای این بخش عبارت‌اند از:

یک. حمایت اقتصادی و لجستیکی غرب از رژیم صهیونیستی (P11): این متغیر می‌تواند با تقویت قدرت نظامی و اقتصادی رژیم صهیونیستی، به تداوم درگیری کمک کند و چشم‌انداز صلح را مختل کند.

دو. گرایش‌های سازش‌کارانه دولت خودگردان فلسطین (P8): این متغیر می‌تواند به تضعیف وحدت و اثربخشی دولت خودگردان و افزایش آسیب‌پذیری فلسطین منجر شود.

سه. عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی (P7): این روند می‌تواند همبستگی اعراب با فلسطینی‌ها را تضعیف کند اگر مسائل کلیدی مانند اشغال و شهرک‌سازی نادیده گرفته شوند.

چهار. ناکارآمدی قطعنامه‌های سازمان ملل (P2): عدم اجرای این قطعنامه‌ها می‌تواند اعتبار نهادهای بین‌المللی را تضعیف کند و عدالت را در حل و فصل مناقشه تضعیف نماید.

پنج. همچنین در این تحلیل، پایداری حماس بر آرمان مقاومت (P9)، اشغال سرزمین فلسطین (P1) و گسترش شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی (P4) به‌عنوان متغیرهای هدف در نظر گرفته شده‌اند.

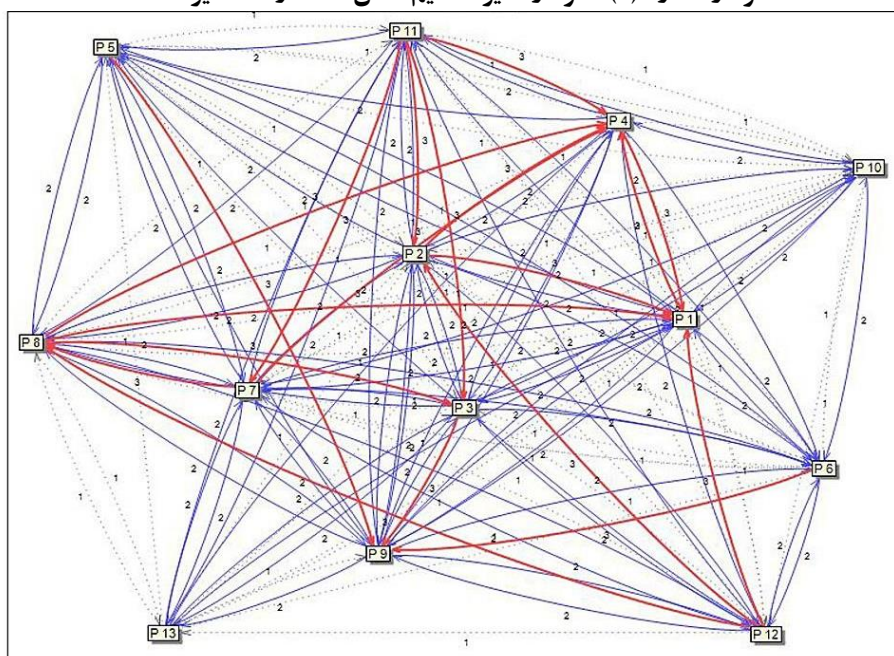
شش. پایداری حماس بر آرمان مقاومت: این متغیر تأثیر زیادی بر مسیر درگیری و نتایج مذاکرات صلح، امنیت و حاکمیت ارضی دارد.

هفت. اشغال سرزمین فلسطین: این وضعیت پیامدهای عمیق برای مردم فلسطین، ثبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی دارد.

هشت. گسترش شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی: ساخت و رشد شهرک‌های اسرائیلی در سرزمین‌های فلسطین، مانع بزرگ تحقق راه‌حل پایدار برای این مناطق

است و امید به صلح را کاهش داده است. نه. اشغال و گسترش شهرک‌های اسرائیلی که از سال ۱۹۴۸ آغاز شده و به‌ویژه از ۱۹۶۷ به بعد شدت گرفته، حل مسئله آن‌ها برای دستیابی به راه‌حل عادلانه و پایدار در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین ضروری است. این اقدامات می‌تواند به بازگشت حق حاکمیت فلسطینیان، ایجاد صلح و امنیت، تقویت مشروعیت بین‌المللی و توسعه اقتصادی و رفاه منجر شود.

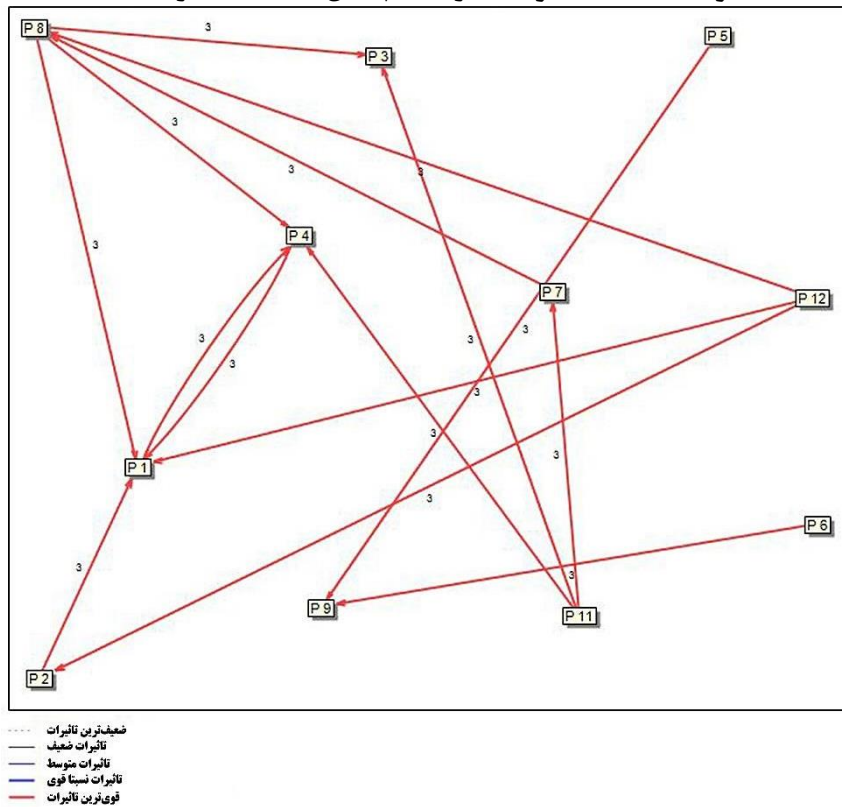
نمودار شماره (۳): نمودار تأثیر مستقیم شامل ۱۰۰ درصد تأثیرات



- ضعیف‌ترین تأثیرات
- تأثیرات ضعیف
- تأثیرات متوسط
- تأثیرات نسبتاً قوی
- قوی‌ترین تأثیرات

(یافته‌های پژوهش براساس خروجی نرم‌افزار)

نمودار شماره (۴): نمودار تأثیر مستقیم شامل ۱۰ درصد تأثیرات



(یافته‌های پژوهش براساس خروجی نرم‌افزار)

۴-۴. پیشران‌ها

باتوجه به بررسی قوی‌ترین تأثیرات به دست آمده با نرم‌افزار تحلیل ساختاری میک‌مک، می‌توان پیشران‌ها را به شرح زیر معرفی کرد:

اول. حمایت اقتصادی و لجستیکی غرب از رژیم صهیونیستی (P11): این متغیر با تأثیرگذاری بر متغیرهایی چون عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، محاصره نوار غزه از سال ۲۰۰۷ و استمرار گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در سرزمین‌های فلسطین یکی از اثرگذارترین متغیرهاست. حمایت اقتصادی و لجستیکی قابل توجهی که کشورهای غربی از رژیم صهیونیستی دارند، می‌تواند از چند جهت بر عادی‌سازی روابط

اعراب و رژیم صهیونیستی تأثیر بگذارد: اولاً، حمایت غرب توانایی‌های نظامی، قدرت اقتصادی و جایگاه سیاسی رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد و آن را به‌عنوان یک شریک بالقوه برای کشورهای عربی که به‌دنبال اتحادهای امنیتی یا همکاری اقتصادی هستند، جذاب‌تر می‌کند. ثانیاً، حمایت غرب ممکن است رژیم صهیونیستی را برای مشارکت در اقدامات اعتمادساز و ابتکارات سیاسی با هدف بهبود روابط با کشورهای عربی، مانند توافقنامه ابراهیم، تشویق کند. این پشتیبانی، حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی مورد نیاز رژیم صهیونیستی را برای حفظ و گسترش حضور خود در سرزمین‌های اشغالی، علی‌رغم محکومیت‌های بین‌المللی و مخالفت‌های قانونی، فراهم می‌کند. کشورهای غربی، از طریق روابط اقتصادی و سیاسی خود با رژیم صهیونیستی، ممکن است سهواً یا به‌طور ضمنی توسعه شهرک‌سازی را با عدم تحمیل پیامدها یا انگیزه‌های معنادار برای تبعیت از قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل تأیید کنند.

دوم. فقدان نمایندگی دولت خودگردان از جانب مردم فلسطین (P12): این متغیر از طریق اثرگذاری بر متغیرهایی نظیر گرایش‌های سازش‌کارانه دولت خودگردان، اشغال سرزمین فلسطین و عدم تأثیر قطعنامه‌های سازمان ملل بر حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها به یکی از متغیرهای اثرگذار در این تحلیل تبدیل شده است. بدون نمایندگی واقعی که آرمان‌ها و منافع مردم فلسطین را منعکس کند، هرگونه اقدامی فاقد حمایت مردمی است و با مخالفت داخلی مواجه می‌شود. بدون نمایندگی مؤثر، فلسطینیان فاقد صدای قوی برای دفاع از حقوق خود، مقاومت در برابر اشغالگری و بسیج حمایت بین‌المللی هستند. این مسئله همچنین می‌تواند سیاست‌های رژیم صهیونیستی در مصادره زمین، گسترش شهرک‌سازی و الحاق را جسارت بخشد، اشغال را بیشتر تثبیت کند و چشم‌انداز تشکیل کشور خودمختار فلسطین را تضعیف نماید. همچنین این متغیر به عدم تأثیر قطعنامه‌های بین‌المللی بر حق تعیین سرنوشت فلسطینیان کمک می‌کند. بدون نمایندگی مؤثر، صداها و نگرانی‌های فلسطینی‌ها ممکن است در مجامع بین‌المللی و ابتکارات سیاسی به حاشیه رفته یا نادیده گرفته شوند.

سوم. تقویت گرایش‌های سازش‌کارانه در دولت خودگردان (P8): تأثیر بر متغیرهایی چون محاصره نوار غزه از سال ۲۰۰۷، استمرار گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در

سرزمین‌های فلسطینی و اشغال سرزمین فلسطین باعث شده است تا این متغیر اثرگذاری زیادی داشته باشد. تمایلات مصالحه‌جویانه بالای دولت خودگردان فلسطین با رژیم صهیونیستی در زمینه محاصره نوار غزه ممکن است نشان‌دهنده تلاش‌های این دولت برای حفظ ثبات سیاسی و همکاری امنیتی با رژیم صهیونیستی حتی به قیمت از دست دادن جمعیت غزه باشد. تمایل تشکیلات خودگردان فلسطین برای مشارکت در هماهنگی امنیتی و کنترل مرزی با رژیم صهیونیستی، به‌ویژه در کرانه باختری، ممکن است به‌عنوان مصالحه‌ای برای حفظ اقتدار و مشروعیت خود، علی‌رغم پیامدهای انسانی محاصره غزه، تلقی شود. شناسایی گرایش‌های مصالحه با رژیم صهیونیستی در مواجهه با ادامه شهرک‌سازی، نشان‌دهنده الگوی سازگاری یا رضایت تشکیلات خودگردان فلسطین با سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی است. درحالی‌که به نظر می‌رسد دولت خودگردان فلسطین به هدف پایان دادن به اشغالگری و دستیابی به کشور فلسطین متعهد است، رویکرد آن ممکن است شامل تعامل با مقامات رژیم صهیونیستی و بازیگران بین‌المللی برای مدیریت واقعیت‌های روزمره و کاهش تأثیر اشغالگری بر فلسطین باشد.

چهارم. توسعه قلمرو اشغالی (P1): اثرگذاری این متغیر با متغیر استمرار گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در سرزمین‌های فلسطینی به‌صورت دوسویه در نمودار مشخص شده است. این رابطه از چند سو تقویت‌کنندگی متقابل این دو متغیر را نشان می‌دهد:

یک. اشغال، چهارچوب قانونی و نظامی و امکان مصادره زمین‌ها و منابع فلسطینی را برای استفاده اسرائیل برای ایجاد و گسترش شهرک‌ها فراهم می‌کند. همچنین گسترش شهرک‌سازی به‌نوبه‌خود، کنترل ارضی و حضور و تسلط نیروهای اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی را تقویت کرده و چشم‌انداز تشکیل کشور فلسطین را کاهش می‌دهد.

دو شهرک‌های اسرائیلی موقعیت راهبردی دارند تا ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی را تغییر داده که این امر ایجاد و بقای یک کشور مستقل فلسطینی را به چالش می‌کشد. سه. گسترش شهرک‌ها تنش‌های حقوقی و سیاسی پیرامون اشغال را تشدید می‌کند؛ زیرا قوانین بین‌المللی از جمله کنوانسیون چهارم ژنو را که انتقال جمعیت غیرنظامی به سرزمین‌های اشغالی را ممنوع می‌کند، نقض می‌کند.^۱

پنجم. عدم تأثیر قطعنامه‌های سازمان ملل در تأیید حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها (P2): بیشترین تأثیر این متغیر بر اشغال سرزمین فلسطین بوده است. قطعنامه‌های سازمان ملل، از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت و قطعنامه‌های مجمع عمومی، یک چهارچوب قانونی حیاتی برای رسیدگی به اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل و تأیید حق فلسطینیان در تعیین سرنوشت خود است. این قطعنامه‌ها به صراحت این اشغال غیرقانونی را بر اساس قوانین بین‌المللی محکوم کرده و خواستار توقف فوری آن شده است. با این حال، فقدان تأثیر این قطعنامه‌ها نشان‌دهنده شکاف بین هنجارهای حقوقی بین‌المللی و اجرای آن‌ها در عمل است؛ به عنوان مثال قطعنامه‌های ۴۶۶، ۴۵۲ و ۴۶۵ شورای امنیت، روند اسکان یهودیان در سرزمین‌های اشغالی را محکوم کرده و اعلام می‌کنند که این شهرک‌ها هیچ‌گونه اعتبار قانونی ندارند؛ اما به علت اینکه این قطعنامه‌ها برای رژیم صهیونیستی لازم‌الاجرا نیستند، هیچ‌گونه تأثیری در توقف سیاست‌های این رژیم نداشته است (محمدی و غفرانی، ۱۳۸۸، ص. ۴۲).

ششم. عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل (P7): تأثیر بالای این متغیر بر مسئله گرایش‌های سازش‌کارانه دولت خودگردان در فلسطین بوده است. عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بر دولت خودگردان فلسطین فشار می‌آورد تا در مذاکرات با رژیم صهیونیستی مواضع سازش‌کارانه اتخاذ کند. کشورهای عربی ممکن است به دنبال استفاده از اهرم‌های بهبود روابط خود برای تشویق فلسطینیان به امتیازات و سازش‌ها باشند. چشم‌انداز افزایش همکاری‌های اقتصادی و یکپارچگی منطقه‌ای ممکن است دولت فلسطین را ترغیب کند تا سازگاری با مذاکرات صلح، حتی به بهای تمام شدن خواسته‌ها و آرزوهای دیرینه فلسطین، در اولویت قرار دهد.

هفتم. هتک حرمت و اسلامی‌زدایی مسجدالاقصی (P5): این متغیر قوی‌ترین تأثیر را بر پایداری حماس بر آرمان مقاومت داشته است. در جنبش حماس، گرایش ناسیونالیستی یک چهارچوب منحصربه‌فرد را به خود می‌گیرد که متفاوت از هر چهارچوب دیگر سکولار است. جنبش حماس، علاوه بر اینکه به عنوان یک جنبش آزادی‌بخش ملی شناخته می‌شود، به عنوان یک جنبش اسلامی عمل می‌کند که برنامه‌های خود در زمینه‌های گوناگون را از بستر ایدئولوژی به دست می‌آورد. مسجدالاقصی به عنوان یکی از مکان‌های

مقدس برای مسلمانان به عنوان محل عروج پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) اهمیت بسیار زیادی دارد و مورد احترام است. به جز اهمیت مذهبی، مسجدالاقصی دارای نمادهای فرهنگی و تاریخی عمیقی برای فلسطینیان و جهان عرب و اسلام است. به عقیده محمد ابن محمد اسطل از علمای غزه: «این عملیات آمد تا جلوی این تجاوزات و بی حرمتی‌ها را بگیرد. نام عملیات «طوفان الاقصی» گویای این ماجراست» (قاعده هیئة علماء فلسطین، ۲۰۲۳).

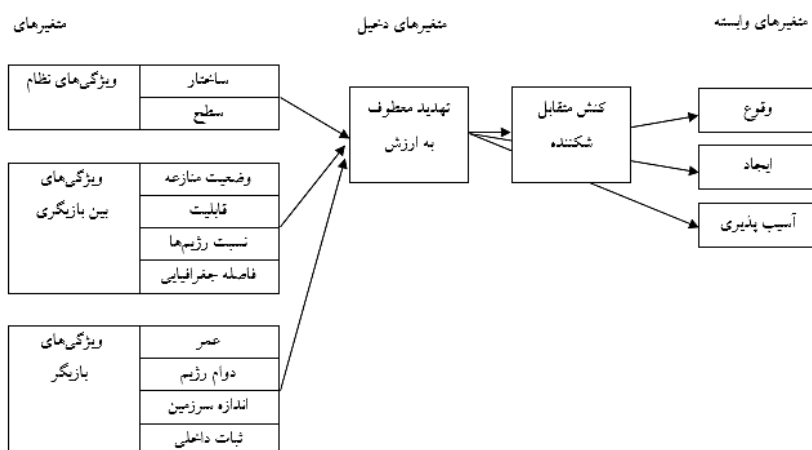
هشتم. افزایش شمار اسرای فلسطینی (P6): بر اساس نمودار این متغیر نیز مانند متغیر قبلی تأثیر بسیار زیادی بر پایداری حماس بر آرمان مقاومت گذاشته است. زندانیان فلسطینی به طور کلی به عنوان نماد مقاومت در برابر اشغالگری و ظلم رژیم صهیونیستی در نظر گرفته می‌شوند. زندانی شدن فلسطینی‌ها به دلیل فعالیت سیاسی، شرکت در تظاهرات یا وابستگی به سازمان‌های مقاومت، نماد تعهد آن‌ها به آرمان فلسطین است. افزایش تعداد اسرای فلسطینی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده هدف قرار دادن و سرکوب شدید جامعه فلسطینی توسط مقامات اسرائیلی، از جمله دستگیری‌های خودسرانه، بازداشت بدون محاکمه و صدور احکام شدید است. مرکز حقوق بشر فلسطین (PCHR) با نگرانی جدی از شیوع مداوم شکنجه و بدرفتاری با بازداشت‌شدگان فلسطینی در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اسرائیلی، در داخل اسرائیل و سرزمین اشغالی فلسطین اعلام می‌دارد بسیاری از بازداشت‌شدگان تحت روش‌های بازجویی قرار گرفته‌اند که به شکنجه و بدرفتاری‌هایی از قبیل قرارگرفتن در معرض موسیقی بلند یا صدای فریاد، ضرب و شتم، ضربه زدن و لگزدن، تهدید به خشونت جسمی و جنسی و توهین منجر می‌شود (United Nations, 2013). عملیات طوفان الاقصی می‌تواند از نشانه‌های قیام حماس برای حل مشکلات پایان‌ناپذیر اسرا در سال‌های اخیر باشد.

۴-۴. ارزیابی یافته‌های پژوهش با الگوی پیدایش بحران برچر

برچر در الگوی خود به هر دو سطح بحران بین‌الملل و بحران سیاست خارجی توجه دارد. براین اساس، تحت چه شرایطی یک بحران بین‌المللی، بیشترین احتمال وقوع را دارد یا دولتی بحرانی را علیه دولت دیگر به راه اندازد؟ شرایطی که در آن بیشتری

احتمال می‌رود که یک دولت هدفی برای یک بحران سیاست خارجی یا آسیب‌پذیری در برابر آن شود، چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، مدل پیدایش بحران برچر در شکل (۳) ترسیم شده است.

نمودار شماره (۵): مدل پیدایش بحران



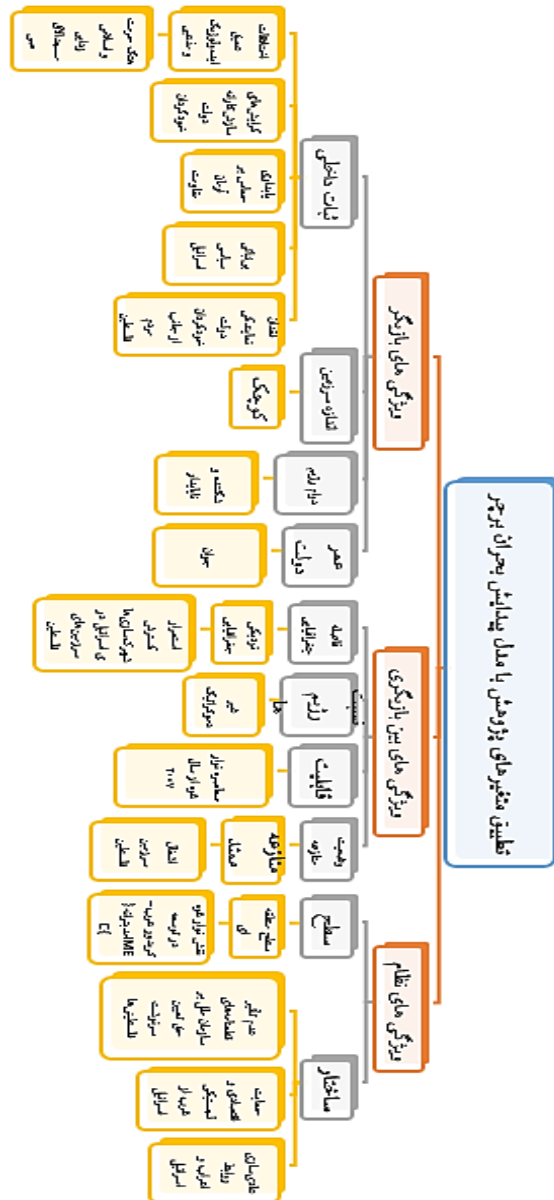
(منبع: برچر، ۱۳۸۲، الف، ص. ۱۰۳)

طبق تعریف برچر از بحران بین‌المللی، عملیات طوفان الاقصی یک بحران بین‌المللی شناخته می‌شود؛ چراکه همراه با دگرگونی در نوع یا افزایش در شدت کنش‌های متقابل شکننده بوده است. با این تفاوت که در این بحران امنیتی یکی از طرفین یعنی گروه حماس بازیگر دولتی نبوده ولی باتوجه به استفاده برچر از یک نمونه بحران میان بازیگر دولتی و غیردولتی در کتاب خود (برچر، ۱۳۸۲-ب، ص. ۱۹۰) این نمونه نیز از این طریق قابل بررسی است. دگرگونی در نوع یا افزایش در شدت کنش‌های متقابل شکننده در این عملیات را می‌توان مواردی چون هتک حرمت و اسلامی‌زدایی مسجد الاقصی و افزایش شمار اسرای فلسطینی در سال‌های اخیر دانست.

آغاز بحران با عملیات غافلگیرانه توسط حماس اتفاق افتاده و باتوجه به ذهنیت تعارض‌جویانه رژیم صهیونیستی، به سرعت به یک بحران منطقه‌ای تبدیل شده است. نیروهای مقاومت فلسطین در یک عملیات دقیق و هماهنگ ضمن عبور از مرزهای غزه و ورود به شهرک‌های اشغالی در اطراف نوار غزه، در کمتر از نیم‌ساعت بیش از ۵ هزار

راکت و موشک به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک کردند. باتوجه به آغاز بحران از سوی حماس، می‌توان گسترش بحران را بلافاصله پس از آغاز دانست. بعد از حمله حماس، تهدید بسیار حاد معطوف به ارزش، آگاهی از فشار زمانی برای پاسخ و ازدیاد احتمال جنگ برای رژیم صهیونیستی نمایان شد. باتوجه به الگوی بالا، مواردی چون ساختار چندمرکزی نظام، رخ دادن بحران در خارج از نظام مسلط (سطح)، بحران به‌عنوان بخشی از منازعه ممتد، مجاورت جغرافیایی، تعدد بازیگران (به‌صورت غیرمستقیم مثل پشتیبانی کشور آمریکا از رژیم صهیونیستی و اضافه شدن بازیگرانی چون گروه‌های مقاومت عراق و یمن در حمایت از حماس)، عدم تجانس بازیگران و تعدد موضوعات که در متغیرهای تحلیل‌شده در نرم‌افزار میک‌مک به‌عنوان عوامل اصلی رخ دادن این بحران امنیتی بررسی شد، نیز نمایانگر تبدیل بحران به یک بحران بین‌المللی تمام‌عیار هستند. از سوی دیگر باتوجه به نظامی بودن یکی از طرفین، اختلاف سطح قدرت طرفین و حمایت قدرت‌های بزرگ با کمک نظامی (حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی که از تأثیرگذارترین متغیرها طبق تحلیل نرم‌افزار میک‌مک بوده) این بحران از طریق خشونت فزاینده و باتوجه به جرقه خشونت‌آمیز و پاسخ هدف شدیدتر (بمباران‌های شدید رژیم صهیونیستی در مناطق غیرنظامی مثل بیمارستان المعمدانی) تصاعد بحران با خشونت شدیدتر نیز همراه شده است. باتوجه به اینکه در زمان نگارش این پژوهش منازعه همچنان ادامه دارد، هنوز شواهدی برای ورود بحران به مرحله کاهش وجود ندارد؛ بنابراین تمرکز بر الگوی پیدایش بحران برچر است. برای نمایش بهتر ارتباط میان ویژگی‌های بالا در الگوی پیدایش بحران برچر و متغیرهای مورد بررسی در این بحران که در بخش نخست آورده شد، در شکل زیر ترسیم شده است.

نمودار شماره (۶): انطباق یافته‌های پژوهش با مدل پیدایش بحران برچر



(ترسیم نویسندگان)

در جدول ذیل نیز توضیحات هر یک از متغیرها و ارزیابی آن براساس مدل پیدایش بحران برچر ذکر شده است.

جدول شماره (۵): شرح انطباق یافته‌های پژوهش با مدل پیدایش بحران برچر

ردیف	عنوان متغیر	تطبیق متغیرها با الگوی پیدایش بحران برچر
۱	اشغال سرزمین فلسطین	طبق الگوی پیدایش بحران، وضعیت منازعه به‌عنوان یک ویژگی بین بازیگری، معمولاً زمانی ایجاد می‌شود که یک یا چند بازیگر احساس کنند منافع حیاتی آنها تحت تهدید قرار گرفته است. در بحران فلسطین، اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد وضعیت منازعه مطرح می‌شود. اشغال سرزمین فلسطین در واقع یک منازعه‌ی بلندمدت و پیچیده را ایجاد کرده است که منافع و هویت ملی فلسطینی‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.
۲	عدم تأثیر قطعنامه‌های سازمان ملل بر حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها	در بحران فلسطین، عدم تأثیرگذاری قطعنامه‌های سازمان ملل بر حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها نشان‌دهنده مشکلات و محدودیت‌های نظام بین‌الملل در اعمال مؤثر قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی است. این وضعیت می‌تواند ناشی از عامل ساختار نظام بین‌الملل طبق الگوی پیدایش بحران مایکل برچر در توزیع قدرت باشد که نشان‌دهنده مشکلات و محدودیت‌های نظام بین‌الملل در اعمال مؤثر قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی است.
۳	محاصره نوار غزه از سال ۲۰۰۷	محاصره نوار غزه با ویژگی‌های بین بازیگری قابلیت و وضعیت منازعه ارتباط دارد. محاصره نوار غزه به‌وسیله اسرائیل نشان‌دهنده استفاده از قابلیت‌های نظامی و اقتصادی برای اعمال فشار بر منطقه‌ای خاص است این اقدام، به‌عنوان یک ابزار قدرت در روابط بین بازیگران

ردیف	عنوان متغیر	تطبیق متغیرها با الگوی پیدایش بحران برچر
		مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر این محاصره بخشی از یک منازعه گسترده‌تر بین رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی (به ویژه حماس) است. محاصره نوار غزه، بخشی از تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای کنترل و محدود کردن فعالیت‌های حماس و دیگر گروه‌های مسلح در این منطقه است و به‌عنوان ابزاری راهبردی در این منازعه ممتد استفاده می‌شود.
۴	استمرار گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیل در سرزمین‌های فلسطین	گسترش شهرک‌سازی‌ها به مسئله فاصله جغرافیایی به‌عنوان یک ویژگی بین بازیگری در مدل مطرح می‌شود. رژیم صهیونیستی با ساخت شهرک‌های جدید در سرزمین‌های فلسطینی، مرزها و فواصل جغرافیایی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان را تغییر می‌دهد و با ایجاد یک واقعیت جدید جغرافیایی، احتمال تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی را کاهش می‌دهد.
۵	هتک حرمت و اسلامی‌زدایی مسجدالاقصی	در بحران فلسطین، اختلافات ایدئولوژیک و مذهبی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای اسلامی، به ویژه در مورد اماکن مقدس مانند مسجدالاقصی، نقش مهمی در تشدید بحران ایفا می‌کند. هتک حرمت مسجدالاقصی توسط گروه‌ها یا دولت اسرائیل، می‌تواند به‌عنوان بازتابی از اختلافات عمیق ایدئولوژیک و مذهبی بین این رژیم‌ها تلقی شود و در قالب ویژگی بازیگری نسبت رژیم‌ها قابل تحلیل است.
۶	افزایش شمار اسرای فلسطینی	افزایش شمار اسرای فلسطینی نشان‌دهنده استفاده از قابلیت‌های نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی برای کنترل و سرکوب مقاومت فلسطینیان در قالب ویژگی قابلیت از ویژگی‌های بین بازیگری است. بازداشت

تطبیق متغیرها با الگوی پیدایش بحران برچر	عنوان متغیر	ردیف
<p>گسترده فلسطینیان به رژیم صهیونیستی این امکان را می‌دهد که از طریق استفاده از ابزارهای نظامی و امنیتی، توانایی مقاومت فلسطینیان را تضعیف کند. این اقدام نشان‌دهنده عدم توازن قدرت بین دو طرف و استفاده از قابلیت‌های نظامی برای تحمیل خواسته‌ها و محدود کردن فعالیت‌های فلسطینیان است.</p>		
<p>عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل، مانند توافق‌نامه‌های ابراهیم، بازتابی از ویژگی‌های ساختار نظام بین‌الملل است. این عادی‌سازی نشان‌دهنده تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای و تغییر در روابط ائتلافی است که می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر پویایی‌های منطقه‌ای داشته باشد. عادی‌سازی روابط، ساختارهای جدیدی از همکاری و تعامل بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی ایجاد می‌کند و ممکن است موجب کاهش حمایت کشورهای عربی از فلسطینیان شود. این تغییر در ساختار نظام بین‌الملل به نوبه خود می‌تواند تأثیر مستقیمی بر روند بحران فلسطین داشته باشد.</p>	<p>عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی</p>	۷
<p>عمر و دوام رژیم دولت خودگردان فلسطین می‌تواند در تحلیل این گرایش‌ها به عنوان یک ویژگی بازیگر در مدل پیدایش بحران برچر نقش داشته باشد. دولت خودگردان در طول سال‌ها به دنبال ایجاد ثبات و بقا بوده و ممکن است به سمت سازش‌هایی گرایش پیدا کند که بقای رژیم و ساختارهای حکومتی آن را تضمین کند. این سازش‌ها می‌توانند بخشی از راهبرد رژیم برای حفظ قدرت و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی باشند.</p>	<p>گرایش‌های سازش‌کارانه دولت خودگردان</p>	۸

ردیف	عنوان متغیر	تطبیق متغیرها با الگوی پیدایش بحران برچر
۹	پایداری حماس بر آرمان مقاومت	پایداری حماس بر آرمان مقاومت می‌تواند به‌عنوان عاملی برای حفظ ثبات داخلی در مناطق تحت کنترل حماس، به‌ویژه نوار غزه و به‌عنوان یک ویژگی بازیگر تحلیل شود. حماس با تأکید بر مقاومت علیه رژیم صهیونیستی، تلاش می‌کند تا حمایت عمومی را در میان مردم فلسطین و به‌ویژه در میان ساکنان نوار غزه حفظ کند. این موضع‌گیری به حماس کمک می‌کند تا در برابر چالش‌های داخلی، از جمله فشارهای اقتصادی و اجتماعی و رقابت با دیگر گروه‌ها، موقعیت خود را تقویت کند. تأکید بر مقاومت می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی حماس برای جلب حمایت و مشروعیت در میان مردم و افزایش ثبات داخلی تلقی شود.
۱۰	بی‌ثباتی سیاسی رژیم صهیونیستی	نوسانات در سیاست داخلی، تغییرات در ائتلاف‌های دولتی، و بحران‌های سیاسی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های خارجی و اقدامات رژیم صهیونیستی در بحران فلسطین داشته باشند. بی‌ثباتی سیاسی به‌عنوان یک ویژگی بازیگر ممکن است منجر به عدم انسجام در اتخاذ تصمیمات کلیدی و اجرای استراتژی‌های ثابت در قبال فلسطین شود. همچنین عمر رژیم صهیونیستی و قرار گرفتن آن در میان کشورهای جدید می‌تواند در قالب یکی از ویژگی‌های بازیگر در مدل پیدایش بحران برچر مورد توجه باشد.
۱۱	حمایت اقتصادی و لجستیکی غرب از رژیم صهیونیستی	حمایت اقتصادی و لجستیکی غرب از اسرائیل به‌طور مستقیم با ویژگی ساختار نظام بین‌الملل مرتبط است. این حمایت نشان‌دهنده توزیع قدرت و نفوذ در نظام بین‌الملل است و به تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ

ردیف	عنوان متغیر	تطبیق متغیرها با الگوی پیدایش بحران برچر
		غربی بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره دارد. همچنین حمایت اقتصادی و لجستیکی از رژیم صهیونیستی به افزایش قابلیت‌های نظامی، اقتصادی و راهبردی رژیم صهیونیستی کمک می‌کند. این حمایت‌ها به رژیم صهیونیستی امکان می‌دهند که به‌طور مؤثرتر در مواجهه با چالش‌های امنیتی و نظامی در بحران فلسطین عمل کند. به‌عبارت‌دیگر، این حمایت‌ها به رژیم صهیونیستی توانمندی‌های بیشتری برای تأمین نیازهای نظامی و امنیتی خود می‌دهند و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر بحران فلسطین دارند و در قالب ویژگی بین‌بازیگری در مدل برچر قابل تحلیل است.
۱۲	فقدان نمایندگی دولت خودگردان از جانب مردم فلسطین	فقدان نمایندگی دولت فلسطین می‌تواند به مشکلات داخلی و نارضایتی‌های عمومی منجر شود که بر ثبات داخلی این دولت به‌عنوان یک ویژگی بازیگر تأثیر می‌گذارد. اگر دولت خودگردان نتواند به‌طور مؤثر و نماینده از منافع تمام مردم فلسطین عمل کند، این موضوع می‌تواند به بحران‌های داخلی و تضعیف حمایت عمومی از دولت منجر شود.
۱۳	نقش نوار غزه در توسعه کریدور عرب - مدیترانه {IMEC}	وضعیت منازعه در نوار غزه نقش مهمی در تحلیل نقش این منطقه در توسعه کریدور IMEC دارد. منازعه مستمر و درگیری‌های داخلی و بین‌المللی در نوار غزه می‌تواند بر توانایی‌های اقتصادی و زیرساختی این منطقه تأثیر بگذارد و ممکن است بر روند توسعه کریدور عرب - مدیترانه تأثیرگذار باشد. مشکلات

ردیف	عنوان متغیر	تطبیق متغیرها با الگوی پیدایش بحران برچر
		امنیتی و سیاسی در نوار غزه می‌تواند مانع یا پیچیدگی‌هایی در پیاده‌سازی پروژه‌های زیرساختی و حمل‌ونقل در این کریدور ایجاد کند. از سوی دیگر، تحقق این کریدور نیز می‌تواند در عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل و تضعیف و کاهش حمایت از آرمان فلسطین شود.

(ترسیم نگارندگان براساس یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

«طوفان الاقصی» معادلات و تحلیل‌های رایج در خصوص بحران غرب آسیا با محوریت رژیم صهیونیستی را برهم زد. در نتیجه شاهد شکل‌گیری بحران جدیدی هستیم که نیازمند تحلیل‌های به‌روز و جدید است. رویکردهایی که تا پیش‌ازین برای مدیریت بحران و صلح‌سازی انجام شده توان جامعه محلی فلسطینیان برای خودسامان‌دهی را تضعیف کرده است؛ بنابراین کلید کاهش بحران در یافتن تعادل مناسب بین حمایت بین‌المللی و همچنین استفاده از روندهای صلح‌سازی پایین به بالا، توسط اجتماعات محلی فلسطینی است. ابداع راهبردهایی برای افزایش نمایندگی و توانمندسازی نهادهای منتخب کلیه مردم فلسطین برای کاهش چالش‌های چندوجهی و تقویت حرکت به‌سوی ثبات و یکپارچگی ضروری است. همچنین با توجه به بررسی الگوی جامع بحران مایکل برچر، این بحران پس از طی مرحله پیدایش و گسترش همچنان استمرار داشته و هنوز به مرحله کاهش نرسیده است. کنترل این شرایط نیاز به یک رویکرد چندوجهی از جمله مشارکت در تلاش‌های سیاسی، افزایش آگاهی در مورد نقض قوانین بین‌المللی توسط رژیم صهیونیستی و بسیج حمایت بین‌المللی برای پاسخگویی و حمایت از وحدت فلسطین دارد.

یادداشت‌ها

۱. طبق بند ۶ ماده ۴۹ مقاله‌نامه ژنو، دولت اشغالگر نباید بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین‌هایی که اشغال کرده است، اخراج یا منتقل کند. این بند به‌صراحت انتقال جمعیت غیرنظامی توسط قدرت اشغالگر به سرزمین‌های اشغالی را ممنوع می‌کند. ایجاد و گسترش شهرک‌های اسرائیلی شامل انتقال غیرنظامیان اسرائیلی به کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و بلندی‌های جولان است که سرزمین‌هایی هستند که در طول جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ به تصرف رژیم صهیونیستی درآمدند و طبق قوانین بین‌المللی اشغال شده‌اند. به‌این‌ترتیب، ساخت‌وساز و رشد شهرک‌ها به‌طور گسترده به‌عنوان نقض مقاله‌نامه چهارم ژنو شناخته می‌شود (Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons, 1949, p. 185).

کتابنامه

- امین آبادی، سیدمحمد و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۹). گلچین‌گرایی؛ رهیافتی نو برای تبیین بحران‌های بین‌المللی. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۱۰(۳۹)، ۷-۳۷.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲.الف). بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها (ج ۱). ترجمه میرفردین قریشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲.ب). بحران در سیاست جهان: یافته‌ها و مطالعات موردی (ج ۲). ترجمه حیدرعلی بلوچی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل و ویلکنفند، جانانان (۱۳۸۲). بحران، تعارض و بی‌ثباتی. ترجمه علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بردبار، احمدرضا و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۲). تحلیل جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (تغییر رویکرد پدافندی به آفندی). فصلنامه علمی بحران پژوهی جهان اسلام. ۱۰(۲۹)، ۸۲-۱۱۴.
- دهشیری، محمدرضا و گلستان، مسلم (۱۳۹۵). الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران‌های بین‌المللی در نظام تک‌چندقطبی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱(۳)، ۷۹-۱۲۴.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۹). تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر منازعه فلسطین اسرائیل و معامله قرن. فصلنامه سیاست جهانی. ۹(۳۳)، ۲۰۵-۲۳۰.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۳). بحران فلسطین: چالش‌ها و امیدها. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. (۳ و ۴)، ۱۰۵-۱۳۰.

عابدی، محمد؛ شفیعی، نوذر؛ دهشیری، محمدرضا (۱۴۰۰). «الگوی رفتاری ایالات متحده آمریکا در مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۷(۱)، ۲۱۵-۲۴۲. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹). قدرت، نوپدیدگی و بحران در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده و آشوبی: گامی به سوی مدل نظری نوین. فصلنامه روابط خارجی، ۱۲(۴۷)، ۴۲۳-۴۵۹.

قاعده هیئت‌علماء فلسطین (۲۶ اکتوبر، ۲۰۲۳). من <https://palscholars.org>. محمدی، منوچهر و غفرانی، پیروز (۱۳۸۸). بحران فلسطین و راه‌حل آن. تهران: وزارت امور خارجه.

موسوی، سیدحسین؛ الحمد، جواد و برغوثی، ایاد (۱۳۸۲). سیری در اندیشه‌سیاسی جنبش حماس. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. واعظی، محمود (۱۳۸۹). نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی. راهبرد. ۱۹(۵۶)، ۴۲-۷.

وقوفی، امید؛ قاسمی، علی‌اصغر و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۶). تبیین عوامل و پیشران‌های کلیدی آینده یمن تا سال ۱۴۰۶. فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، ۲(۴)، ۸۷-۱۰۷.

Brecher, M. & Wilkenfeld, J. (1982). Crises in world politics. *World Politics*, 34(3), 380-417.

Coleman, P. T.; Vallacher, R.; Nowak, A. & Bui-Wrzosinska, L. (2007). Intractable Conflict as an Attractor: Presenting a Dynamical-Systems Approach to Conflict, Escalation, and Intractability. In *IACM 2007 Meetings Paper*.

Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons (1949). In <https://www.un.org>

Philips, W. & Rimkunas, R. (1978). The concept of crisis in international politics. *Journal of Peace Research*, 15(3), 259-272.

United Nations (2013). *Torture and ill treatment of Palestinian detainees & prisoners*. In <https://www.un.org>